



قسمت یست وسوم

اصول اعتقادی اسلام

«معاد»

آیت الله حسین نوری

بحث مجازات و تجسس اعمال

۲

چنانکه در مقاله قبل گفتیم: در ضمن مباحث «معاد» پس از نبوت و مسلم گردیدن این موضوع که اعمال انسانها در صحنه قیامت مورد بررسی قرار می گیرد و اعمال خوب یا بد او خدای تعالی و اعمال بد یا کفر و مجازات الهی مواجه می گردد، این بحث مطرح است که آیا جزای اعمال در روز قیامت بوسیله تجسم خود اعمال صورت می گیرد و این خود اعمال است که در آنجهان با چهره نیک و یا بد ظاهر می شود و عمل هر انسانی عیناً بوی تحویل داده می شود اعمال خوب بصورت «بهشت» و نعمت های بهشتی و اعمال بد بصورت «جهنم» و عذابهای جهنمی؟

یا اینکه خود اعمال، جزای اعمال نیست بلکه جزای اعمال، آثار آنها است که از آنها زاینده شده و بر آنها مترتب می گردد؟

دسته ای از علمای اسلام سخن اول و دسته ای سخن دوم را گفته اند و چنانکه در مقاله پیش گفتیم از جمله کسانی که با کمال صراحت سخن اول را می گویند شیخ بهائی در کتاب اربعین و «علافة طباطبائی» در تفسیر المیزان و شهید بزرگوار آقای «مطهری» در کتاب عدل الهی است.

و باید دانست از جمله کسانی که نیز همین راه را پیموده است فقیه فیلسوف «شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء» در کتاب «الفردوس الأعلی» است. این عالم بزرگ در بحث «معاد جسمانی» پس از اینکه میگوید: «این بدن عیناً در روز قیامت بصحنه محشر بازمی گردد» اضافه می کند: «نه تنها این صورتهای محسوس (بدنها) عود می کند بلکه حتی حقیقت و جوهر اعمال و صفات و ملکات و هر عمل خیر و شر تو قود میکند و تجسم پیدا می کند سخن چینی «عظری» است که تو را نیش می زند و بیعت و بدگویی از کسی پیش بزرگترها، «أفعی ای» است که تو را می گزد و غیبت کردن گوشت مرده ای است که آنرا میخوری و همچنین هر جنایتی که انقضای بدنت، دست و پایت و زیادت آنرا انجام داده است با صورت مناسب خود بتو بازمی گردد و هر عمل خوبی که انجام داده ای با چهره زیبائی بسوی تو برمی گردد و با او انس می گیری که خداوند فرمود: «وَوَجِدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ زَمِيلًا أَحَدًا»^۱ یعنی: آنچه که انجام داده بودند را حاضر یافتند و پروردگارت یکسوی ظلم نمی کند.

و نیز میفرماید: «وما ظلمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون»^۲ یعنی: ما بر آنها ستم نکردیم آنها بر خودشان ستم

که انجام داده اید جزاء داده میشود. درست نیست در کلام حذف و تقدیری وجود ندارد و مقصود این است که شما به اعمال خود عیناً مجازات میشوید و مجازات شما خود اعمال شماست.

و در حدیث آمده است که خداوند در روز قیامت به بندگانش خود می فرماید: «أَعْمَالُكُمْ رَدَّتْ إِلَيْكُمْ» یعنی: اعمال شما عیناً به شما باز گردانده شده است. البته آن اعمال با جوهر و حقیقت یعنی: با چهره واقعی خود. بنابراین آنچه در دنیا است مجازات است و حقیقت در آنجهان است که ظهور کرده است.

و بالأخره این است معنای اینکه: در روز قیامت اعمال انسانها «تجسم» پیدا می کند.

تا اینکه در پایان کلام خود می گوید: «شیخ بهاء الدین در اربعین خود از برخی از صاحبان نقل کرده است که صفات مذمومه (از قبیل حسد، تکبر، بخل و غرور) در روز قیامت انقلاب یافته مارهائی میشوند» ولی تعبیر صحیحتر این است که بگوئیم: صفات مذمومه در آن نشأ عیناً مار هستند نه اینکه انقلاب یافته مار می شوند زیرا دنیا غلاف آخرت و پوست آن است و آخرت مغز و حقیقت، و آخرت هم اکنون در باطن دنیا وجود دارد (منتها ما تا در دنیا هستیم آنرا درک نمی کنیم).

چنانکه خداوند می فرماید: «تَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۳

یعنی: بیشتر مردم تنها از زندگی دنیا ظاهر را می بینند و از آخرت غافل می باشند. «يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»^۴ یعنی: کافران از تو با شتاب عذاب آخرت را می طلبند و حال آنکه جهنم هم اکنون کافران را فرا گرفته است و معنای این عبارت این است که الآن عذاب جهنم آنها را احاطه کرده است (چون اعمال آنها عیناً جهنم آنها است)^۵.

و نیز باید دانست از جمله مواردی که این بحث در آن مطرح گردیده است «شرح سید علیخان بر صحیفه سجادیه»، زیور آل محمد (ص) است که ریاض السالکین نامیده میشود.

وی که در ظرف ۱۲ سال صحیفه سجادیه را که مشتمل بر ۵۴ دعا است در ضمن ۵۴ روضه، با دقت و عالمانه شرح کرده است در شرح این دعا که دعای ۴۱ صحیفه و عنوان دعا و دعا این است.

«ومن دعائه (ع) فی طلب الشَّرِّ والوفایة». یعنی دعای آنحضرت در طلب پرده پوشی بر اعمال است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَافْرِضْ مَهَاد

کردند.

و نیز فرمود: «إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»^۶ یعنی: شما آنچه را انجام می دادید بعنوان جزاء بدست می آورید.

از آن پس اضافه می کنند: آنطور که بعضی از مفسرین تصور کرده اند که در این مورد حذفی و تقدیری وجود دارد که معنای عبارت این باشد: شما در برابر آنچه

كَرَاهِيَتِكَ وَأَوْرَدْنَسِي قَسَارِعَ رَشْمِيكَ وَأَعْلَقْنِي بِحَبْوَةِ جَنَّتِكَ وَلَا تُشْنَسِي بِالرَّدِّ عَنكَ وَلَا تُخْرِقْنِي بِالْغَيْبِيَةِ مِنْكَ وَلَا تُفَاضِنِي بِمَا اجْتَرَحْتُ وَلَا تُدَافِنُنِي بِمَا أَكْتَشَيْتُ وَلَا تُتِرْزُ فِكْرِي وَلَا تُكْتَفِ مَشْوَرِي وَلَا تُغَيِّلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْأَنْصَافِ عَنِّي وَلَا تُغْلِبْ عَلَيَّ غُلْبُونَ النَّفْلَةِ خَيْرِي أَخْفِ عَنِّي مَا يَكُونُ نَفْرَةً عَلَيَّ عَارًا وَأَظْهِرْ عَنِّي مَا يُلْجِسُنِي عِنْدَكَ شَرًّا أَسْرَفْتُ ذَرْعِي بِرِضْوَانِكَ وَأَكْمَلْتُ كَرَامَتِي بِغَفْرَانِكَ وَأَتَقَطَّنِي فِي أَصْحَابِ التَّائِبِينَ وَوَجَّهْتَنِي فِي مَتَابِلِ الْأَمِينِ وَاجْعَلْنِي فِي فِرَاقِ الْفَاطِرِينَ وَأَعْمُرْنِي فِي جَمَالِ الصَّالِحِينَ آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

یعنی: «بار الهی بر محمد و آلش رحمت فرست و بسترهای اعزاز و اکرام را برای من بگستران و از زلال رحمت خود شیرابه قرمائی و مرا در آغوش بهشت جای ده و از درگاه مرحمت خویش مران و با نوبدی از درگاه خود محروم منما و بر آنچه که از گناهان انجام داده‌ام مواخذه‌ام مکن و بر رفتارم خیره مگیر و رازم را آشکار مساز و سرزم را فاش مکن» و معلم را به میزان عدالت قسح» و اسرارم را در پیش چشم دیگران برملا مکن آنچه را که انتشارش بر من شکست است بپوشان و طوماری را که جز از سیاهی و تباهی کردارم حکایت دیگری ندارد بهم دریغ مرا در شمع شامخ ملکوت آنجا که مقام رضا و رضوان تست جای ده و بدین عنایت بر شرافتم بیفزای کرامت اساسی مرا بواسطه آموزش و حرمت تکمیل کن، مرا در بیلک اصحاب یمن جای ده، مرا از گروه ایمن شدگان بشمار درآور، مرا در فرقه رستگاران قرار ده، مرا وسیله رونق مجالس صالحین و شایستگان بگردان آمین رب العالمین» بمناسبت این جمله: «وَلَا نُحْمَلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْأَنْصَافِ عَمَلِي» (عمل مرا با میزان عدالت مستح) می گوید:

«در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام «وزن اعمال» و «میزان اعمال» در روز قیامت آمده است:

خداوند فرموده است: «وَالْوِزْنُ يُوقَدُ الْحَقُّ فَمَنْ تَغَلَّتْ قَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ قَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَيْرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يُظْلِمُونَ»^۱ یعنی: «امروز سنجش اعمال حق است آنگاه میزانشان سنگین باشد البته رستگار خواهند بود و کسانی که موازیشان سبک باشد کسانی هستند که بواسطه ظلم بر آیات ما بر خودشان زیان رسانده».

و نیز می فرماید: «وَأَنْضَجُ الْمَوَازِينَ الْفِئْطُ يُؤَمُّ الْقِيَمَةَ فَلَا تَقْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَانْكَانَ بِمِثْقَالِ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَمْ يَأْتِي السَّابِقِينَ»^۲ یعنی:

ما ترازوی عدل برای روز قیامت را نصب می کنیم و هیچ کس ستم نخواهد شد و اگر عملی بقدر خردلی باشد در حساب می آوریم و برای حساب کردن کافی هستیم.

و حضرت پیغمبر(ص) در خطبه‌ای که بمناسبت فرا رسیدن ماه رمضان ایراد کردند فرمودند: «هر کس بر من درود بیشتر بفرستد خداوند روز قیامت میزان او را سنگین تر خواهد کرد».

و نیز فرمودند: «بندۀ را در روز قیامت به پیشگاه خداوند می آورند و حسات او را در کفۀ ای و گناهان او را در کفۀ دیگری قرار می دهند»...

در اینجا است که علمای اسلام در کیفیت این وزن و سنجش که از قرآن مجید و احادیث دینی استقافه می شود اختلاف نظر دارند که آیا این تعبیرات کنایه از عدل انصاف است که روز قیامت در باره اعمال انسانها بعمل خواهد آمد منی باشد؟ و معنای این تعبیرات این است که بررسی اعمال و دادن پاداش و یا کیفر بر اساس عدل الهی انجام خواهد گرفت؟

با اینکه منظور این است که حقیقتاً «وزن» و کشیدن اعمال، عملی خواهد شد؟

عالم بزرگ اسلامی «شیخ مفید» رضوان الله علیه فرموده است: «منظور از وزن اعمال در روز قیامت این است که میان اعمال و پاداش و کیفر آنها تعدیل یعنی بررسی بر اساس عدالت بوجه خواهد آمد و مقصود این نیست که ترازوی دارای دو کفۀ نصب شود و باینوسیله سنجش بعمل بیاید زیرا این قبیل جریاناتها اختصاص به اجسام دارد و اعمال انسانی اغراض است و قرصن قابل کشیدن و وزن کردن نیست.

و موضوع سنگین بودن و سبک بودن کنایه از زیادتی و کمی ثواب و طاعت است.

و باید توجه کنیم که قرآن بر اساس لغت عرب نازل گردیده است و در کلمات عرب کنایه و مجاز زیاد است.

ولی عالم بزرگ دیگر اسلام شیخ بهائی گفته است که این قبیل تعبیرات (سبک و سنگین بودن موازین) را به معنای حقیقی خود حمل می کنیم و منظور این نیست که نامه‌های اعمال را بسنجند بلکه در روز قیامت از آنجا که اعمال تجسم پیدا میکنند سبک بودن و سنگین بودن که از خواص اجسام است در آنها راه پیدا می کند.

و با سایرین خود اعمال، مورد موازنه و کشش قرار می گیرند و اینکه می گویند اعمال قرصن است و قرصن قابل کشیدن و وزن کردن نیست، درست نیست زیرا ممکن است چیزی در صفحه دنیا قرصن و در صفحه

آخرت جوهر باشد و تفاوت تجلیات اشیاء بر حسب تفاوت صحنه‌ها و نشاءها قابل قبول است مگر ما نمی بینیم یک چیز در عالم بیداری دارای خاصیت مخصوصی است و همان چیز در عالم رؤیا خاصیت دیگری دارد»^۱.

این بود کلام عالم بزرگوار سید علیخان در شرح صحیفه مجادیه، عجاناً تکمیل این بحث به مقاله آینده با توفیق خداوند متعال موکول میشود و در پایان توجه شما باین اشعار از «مولوی» که در رابطه با «تجسم اعمال» است جلب میشود:

چون رگوعی با سجودی مرد کشت شد در آنعالم سجود او بهشت

چونکه پزیده از دهانش حمد حق مرغ جنت ساختش رب الفلق

چون زدشت رُست ایثار و زکوة گشت ایندمت آنطرف نخل و نبات

آب صیمرت آب جوی خلد شد جوی شیر خلد پهنست وؤذ

ذوق طاعت گشت جوی انگبین منسی و شوق نوجوی خمربین

چون زدشت ظلم بر مظلوم رُست آن درختی گشت ازان رُظوم رُست

چون زخشم آتش نودرد لپها زدی نایب نزار جهنم آمدی

آشت ایستجا جو آدم سوز بود آنچه از وی زاد مرد افرود بود

آن سخنهای چومنا و کز دست مار و عقرب گردد و گنبرد ذفت

اداهه دارد

- ۱- سوره کاف آیه ۱۹.
- ۲- سوره نحل آیه ۱۱۸.
- ۳- سوره طه آیه ۱۶.
- ۴- سوره روم آیه ۷.
- ۵- سوره عنکبوت آیه ۵۴.
- ۶- الفردوس الاملی ص ۱۷۳-۱۷۷.
- ۷- سوره اعراف آیه ۸-۹.
- ۸- سوره انبیاء آیه ۴۱-۴۸.
- ۹- قرصن در اصطلاح فلسفه به موجودی گفته میشود که قائم بذات خود نیست و جوهر، آن موجودی است که قائم بذات خود می باشد.
- ۱۰- ریاض السالکین ص ۳۹۹.